

## بررسی رابطه کمال گرایی مادران و دختران: پدیده انتقال بین نسلی

### The Relationship between Mother-Daughter Perfectionism: the Intergenerational Transition

*P. Sharifi daramadi, Ph.D.*

دکتر پرویز شریفی درآمدی

دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

*M. Niknam, M. A.* ✉

ماندانا نیکنام ✉

دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

*E. Givehchi, M. A.*

الناز گیوه‌چی

دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

دریافت مقاله: ۸۹/۱۱/۹

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۰/۹/۲۰

پذیرش مقاله: ۹۰/۱۰/۱۳

#### Abstract

The purpose of the current research is to investigate the relationship between mothers' and their daughters' perfectionism. A sample of 202 students from Tehran schools were selected through cluster sampling and they completed Frost multi perfectionism scale (FMPS) along with their mothers. Adding up different subscales of FMPS makes it possible to examine positive and negative perfectionism.

#### چکیده:

هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه کمال‌گرایی مادران با کمال‌گرایی دختران‌شان است. پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی است. تعداد ۲۰۲ نفر از دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های تهران بر اساس نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب و با تکمیل مقیاس کمال‌گرایی فراست (FMPS) به همراه مادران‌شان در این پژوهش شرکت کردند. داده‌های پژوهش توسط تحلیل‌های همبستگی و رگرسیون مورد بررسی قرار گرفت.

✉Corresponding author: Dept. of counseling, Faculty of humanity Sciences, Islamic Azad University Science and Research Branch, Tehran. Tel: 09379470574 Email: [m.niknam2008@yahoo.com](mailto:m.niknam2008@yahoo.com)

✉نویسنده مسئول: گروه مشاوره دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران  
تلفن: ۰۹۳۷۹۴۷۰۵۷۴  
پست الکترونیکی: [m.niknam2008@yahoo.com](mailto:m.niknam2008@yahoo.com)

Data were analyzed through correlation and regression analysis.

Results showed a significant positive correlation ( $p < 0.01$ ) between mothers perfectionism, dimensions of perfectionism (positive and negative), and subscales of perfectionism, except for organization with their daughters. Results also showed that perfectionism, its dimensions, and its subscales, except for organization, can predict similar issues in daughters significantly ( $p < 0.01$ ).

According to the results of this research, perfectionist characteristics of mothers are reflected in their daughters.

**Keywords:** perfectionism, positive and negative perfectionism, intergenerational transmission mothers, daughters.

یافته‌های پژوهش نشان دادند بین کمال‌گرایی، ابعاد کمال‌گرایی (مثبت و منفی)، و خرده‌مقیاس‌های کمال‌گرایی مادران، به استثنای خرده‌مقیاس نظم، و دختران آن‌ها همبستگی مثبت معناداری ( $p < 0.01$ ) وجود دارد. همچنین مشخص شد که کمال‌گرایی، ابعاد آن و خرده‌مقیاس‌های آن، به جز خرده‌مقیاس نظم، در مادران می‌تواند تغییرات مربوط به موارد مشابه را در دختران آن‌ها به صورت معنادار پیش‌بینی کند ( $p < 0.01$ ). بر اساس یافته‌های این تحقیق، خصوصیات کمال‌گرایانه مادران در دختران آن‌ها منعکس می‌شوند.

**کلیدواژه‌ها:** کمال‌گرایی، کمال‌گرایی مثبت و منفی، انتقال بین‌نسلی، مادران، دختران.

## مقدمه

کمال‌گرایی به منزله تمایل پایدار فرد به وضع معیارهای کامل و دست‌نیافتنی و تلاش برای تحقق آن‌هاست (برنز، ۱۹۸۰) که با ارزشیابی‌های انتقادی از عملکرد شخصی همراه است (فراست، مارتن، لهارت و روزنبالت<sup>۱</sup>، ۱۹۹۰). کمال‌گرایی یک الگوی پایدار فکر و رفتار است که به میزان کمی در طی زمان تغییر می‌کند، برعکس سایر حالات انسان مانند ترس و یا اضطراب که در موقعیت خاصی به کار می‌رود (آنتونی و سوینسون، ۱۹۹۸؛ آنشل و ایوم، ۲۰۰۲؛ به نقل از آنشل، ویتربای، کانگ و واتسون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹). تحقیقات مختلف، کمال‌گرایی را به عنوان یک صفت پایدار شخصیتی، که از اوایل زندگی تشکیل می‌شود در نظر می‌گیرند (فراست و هندرسون، ۱۹۹۱؛ به نقل از آنشل و همکاران، ۲۰۰۹).

موضوع کمال‌گرایی در پژوهش‌های متقدمین روان‌شناسی نیز مشاهده می‌شود برای مثال فروید کمال‌گرایی را به کنش‌وری فرامن افراط‌گر نسبت داد (بشارت، ۱۳۸۳). محققان بسیاری اثرات منفی کمال‌گرایی را متذکر شده‌اند و در بررسی‌های خود آن‌ها را ارائه نموده‌اند اما وجود نظرات متضاد مثل نظریه آدلر (۱۹۵۶) که وجود استانداردهای بالای کمال‌گرایانه را برای سلامتی ذهنی و فکری ضروری می‌داند، باعث شده است بسیاری از محققان اعتقاد داشته باشند که کمال‌گرایی یک سازه

چند بعدی است که دارای ابعادی بهنجار و نابهنجار است (کوک و کرنی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹). هامپچک<sup>۴</sup> (۱۹۷۸) کمال‌گرایی را به دو بعد بهنجار (مثبت، سالم، سازش‌یافته و کارکردی) و نابهنجار (منفی و ناسازش‌یافته) تقسیم می‌کند. کمال‌گرایی نرمال وضعیتی است که رسیدن به رضایت برای فرد کاملاً معمول و دست‌یافتنی است و از طرف دیگر کمال‌گرایی نوروپیک وضعیتی است که رسیدن به رضایت از طریق عملکرد، کاملاً دور از دسترس است (نقل از آشل، ویتربای، کانگ و واتسون، ۲۰۰۹). هویت و فلت<sup>۵</sup> (۱۹۹۱) کمال‌گرایی را دارای سه وجه فردمدار، دیگرمدار و جامعه‌مدار می‌داند. کمال‌گرایی فردمحور، مشخصه آن‌ها داشتن استانداردهای بالا برای عملکرد شخصی خود می‌باشد، کمال‌گرایی دیگرمدار که دارای انتظارات غیرمعمول از اطرافیان می‌باشند و کمال‌گرایان جامعه‌مدار که تصور می‌کنند جامعه از آنان انتظارات فوق‌العاده‌ای دارد (به نقل از کوک و کرنی، ۲۰۰۹). فراست و همکاران (۱۹۹۰) از شش بعد نگرانی افراطی درباره اشتباهات، مجموعه معیارهای عملکرد شخصی، درک شخص از انتقادات والدین، درک شخص از انتظارات والدین، تمایل به شک و تردید، گرایش به نظم و سازمان یافته بودن را که گمان می‌رود در کل کمال‌گرایی سهم داشته باشند، نام می‌برند.

در خصوص علت‌شناسی کمال‌گرایی از زمانی که برای اولین بار این پدیده شناسایی و مفهوم‌سازی شد، بحث شده است. مهم‌ترین فاکتورهایی که به عنوان عامل علی در رشد تحول کمال‌گرایی مطرح بوده، تأثیر شیوه‌های فرزندپروری و سبک‌های دلبستگی است (رم<sup>۶</sup>، ۲۰۰۵؛ نومیستر<sup>۷</sup>، ۲۰۰۲). اشکال ایمن و نایمن دلبستگی می‌توانند در قالب الگوسازی‌های فعال درونی که افراد در مورد خود و دیگران شکل می‌دهند، درک شوند. همان‌طور که کودکان با مراقبان تعامل برقرار می‌کنند، الگوهای فعال درونی‌ای شکل می‌دهند که خود، بازنمایی طرحواره‌ای، از خود و دیگران است. آنان از این الگوها به عنوان راهنما در تفسیر وقایع و تشکیل انتظارات در خصوص روابط انسانی بهره می‌گیرند. کودکان با مراقبانی حساس و پاسخگو، احتمالاً نتیجه می‌گیرند افرادی قابل اعتمادند، در نتیجه الگوی مثبتی از دیگران در ذهن‌شان شکل می‌گیرد. در مقابل کودکان با مراقبانی غیرحساس، بی‌توجه و یا بدرفتار، احتمالاً نتیجه می‌گیرند مردم قابل اعتماد نیستند و در نتیجه الگوی فعال منفی در آنان شکل می‌گیرد (بالبی، ۱۹۸۰؛ به نقل از نومیستر، ۲۰۰۲).

برنز معتقد است نیاز به کامل بودن از تجارب دوران کودکی شخص و معمولاً از انتقادات والدین سرچشمه می‌گیرد. پدر و مادرها غالباً برای حفظ عزت‌نفس خود از کودکان انتظار دارند به هدف‌هایی دست یابد که ماورای خواسته‌ها و توانایی‌های اوست. مادری ممکن است با تحت فشار قرار دادن دخترش که شاگرد متوسطی است از او بخواهد که شاگرد اول شود؛ پدری ممکن است به

پسرش که استعداد ورزشی ندارد فشار بیاورد که در تیم فوتبال بازی کند. هر فعالیتی که منجر به تحقق انتظارات نشود، اگرچه ممکن است در حد موفقیت بزرگی باشد، با این حال نوعی شکست تلقی می‌شود و کودک مأیوس، ناخودآگاه به این نتیجه می‌رسد که اگر بخواهد مورد انتقاد واقع نشود و طرد نشود، باید پیوسته برای کامل بودن بکوشد و جز رسیدن به کمال به چیز دیگری قانع نباشد (ویزینگر، ترجمه معتمد گرجی، ۱۳۸۳؛ ۲۱۵).

پژوهش‌های زیادی نشان داده‌اند که رفتار آینده فرزندان در زندگی، نمونه رفتار والدین‌شان خواهد بود (پوتاوی و ویگنولز، ۲۰۰۸). بسیاری از پژوهش‌ها به اهمیت رابطه مادر و فرزند در قالب سبک‌های دلبستگی و نظریه روابط شی اشاره کرده‌اند (ساباتلی و بارتل-هرینگ<sup>۸</sup>، ۲۰۰۳؛ گودمن<sup>۹</sup>، ۲۰۰۷).

پژوهش کرچمر<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۲) نشان داد که در درون خانواده مادر مهم‌ترین تأثیر را روی فرد دارد، در واقع مادر با فرزندش همان گونه رفتار می‌کند که مادر خودش با او رفتار کرده یعنی رفتار مادران در مادران نسل اول، شبیه رفتار مادران نسل دوم است.

پژوهش‌های اخیر به ماهیت انتقال بین‌نسلی باورهای کمال‌گرایانه اشاره کرده‌اند (سوئنز<sup>۱۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۵؛ استوئبر و اتو<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۶؛ کوک و کرنی، ۲۰۰۹؛ کامادان<sup>۱۳</sup>، ۲۰۱۰؛ اپلتن، هال و هیل، ۲۰۱۰). سوئنز و همکاران (۲۰۰۵) در پژوهشی تحت عنوان انتقال بین‌نسلی کمال‌گرایی به بررسی نقش والدین در بروز کمال‌گرایی فرزندان پرداختند. نتایج نشان دادند که کمال‌گرایی والدین در ایجاد کمال‌گرایی فرزندان آنان نقش دارد. بر این اساس، چنین فرض می‌شود که الگوهای والد<sup>۱۴</sup> (علاوه بر مدل‌سازی نقش<sup>۱۵</sup> و وراثت ژنتیک) مکانیزم‌های مهمی هستند که از طریق آن‌ها الگوی باورها، عواطف و رفتار منتقل می‌شود. چانگ<sup>۱۶</sup> (۲۰۰۰) در پژوهش خود همبستگی مثبت و معناداری را میان کمال‌گرایی والدین و فرزندان به دست آورد. به اعتقاد وی از آن‌جا که کمال‌گرایی سازه‌ای پایدار محسوب می‌شود و از طرفی اکثر صفات و سازه‌های شخصیتی انسان نیز ریشه ارثی دارند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که والدین کمال‌گرا از فرزندان کمال‌گرا برخوردارند.

کامادان (۲۰۱۰) در یک نمونه دانش‌آموزی موضوع رابطه کمال‌گرایی نوجوانان و والدین آن‌ها را مورد بررسی قرار داد. بر اساس یافته‌های این محقق بین بعضی از زیرمقیاس‌های کمال‌گرایی (نظم، انتظارات والدین و انتقادات والدین و تردید) در دختران و والدین آن‌ها رابطه معناداری برقرار است ولی صرفاً زیرمقیاس انتظارات والدین پسران توسط زیرمقیاس انتظارات والدین قابل پیش‌بینی است. اپلتون، هال و هیل (۲۰۱۰) در نمونه‌ای از ورزشکاران، ریشه‌های کمال‌گرایی را مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها مبتنی بر دو تفسیری که برای کمال‌گرایی ارائه دادند (یادگیری اجتماعی و انتظارات اجتماعی) این فرضیه را مورد بررسی قرار دادند که ریشه‌های کمال‌گرایی در ورزشکاران به والدین آن‌ها بر می‌گردد. آن‌ها دریافتند کمال‌گرایی خودمدار ورزشکاران توسط کمال‌گرایی خودمدار والدین، کمال‌گرایی دیگرمدار آن‌ها توسط کمال‌گرایی دیگرمدار والدین و کمال‌گرایی جامعه‌مدار آن‌ها توسط کمال‌گرایی جامعه‌مدار و هم‌چنین کمال‌گرایی دیگرمدار والدین قابل پیش‌بینی است.

کوک و کرنی (۲۰۰۹)، با هدف بررسی رابطه بین کمال‌گرایی والدین و فرزندان و همچنین کمال‌گرایی والدین و درونی‌سازی آسیب‌های روانی در فرزندان پسر سنین ۱۷-۱۱ سال، تحقیقی را انجام دادند. آنان با این پیش‌فرض که تحقیقات قبلی، کمال‌گرایی را مقوله‌ای مشترک میان اعضای خانواده دانسته‌اند و همچنین با توجه به تحقیقاتی که نشان می‌دهد والدین مضطرب کمال‌گرایی را به فرزندان‌شان منتقل می‌کنند تحقیق خود را انجام دادند. نتایج نشان دادند که کمال‌گرایی مادر با کمال‌گرایی خودمدار پسران و درونی‌سازی آسیب‌های روانی رابطه دارد و کمال‌گرایی خودمدار مادران ارتباط زیادی با کمال‌گرایی خودمدار پسران دارد در حالی که کمال‌گرایی جامعه‌مدار مادران با درونی‌سازی آسیب‌های روانی رابطه دارد و نشانه‌های وسواس اجباری مادران نقش واسطه در رابطه میان کمال‌گرایی خودمدار مادران و پسران دارد. پژوهش استوئیر و اتو (۲۰۰۶) نشان داد، کودکانی که کمال‌گرایی بالایی دارند، والدین‌شان نیز دارای کمال‌گرایی بالایی هستند. فراست، لهارت و روزنبلت<sup>۱۷</sup> (۱۹۹۱) رابطه مثبت معناداری بین کمال‌گرایی والدین و فرزندان را گزارش کردند. این یافته‌ها همچنین توسط پارکر<sup>۱۸</sup> (۱۹۹۷)، ویت و ترال<sup>۱۹</sup> (۱۹۹۹)، و سوئنز و همکاران (۲۰۰۵) مورد تأیید قرار گرفتند. از طرف دیگر محققانی نیز وجود دارند که نتایجی خلاف آن را گزارش کرده‌اند. برای مثال انز، کاکس و کلارا<sup>۲۰</sup> (۲۰۰۲) اعلام کرده‌اند که در پژوهش خود رابطه معناداری بین کمال‌گرایی والدین و فرزندان مشاهده نکردند.

مسئله انتقال بین‌نسلی کمال‌گرایی، همچنان که دیده می‌شود در سال‌های اخیر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته و در کشور ما در این زمینه تحقیقات کمی صورت گرفته است. بشارت (۲۰۰۳) به بررسی رابطه بین کمال‌گرایی مثبت و منفی والدین و اضطراب امتحان در دانش‌آموزان پرداخته و نتایج پژوهش وی نشان داد که بین کمال‌گرایی مثبت والدین با اضطراب امتحان فرزندان آن‌ها همبستگی منفی و بین کمال‌گرایی منفی والدین با اضطراب فرزندان آن‌ها همبستگی مثبت وجود دارد. به هر حال علی‌رغم حجم زیادی از پژوهش‌ها در زمینه کمال‌گرایی، همچنان که دیده می‌شود پژوهش‌های اندکی در زمینه انتقال بین‌نسلی کمال‌گرایی (به ویژه در کشور ما) وجود دارد و همچنین پژوهش‌های انجام شده تاکنون به صورت متمرکز روی نقش والد هم‌جنس صورت نگرفته است، موضوعی که دغدغه این تحقیق است.

## روش

### جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش مجموع دانش‌آموزان دختر کلاس سوم نظری رشته تجربی در مناطق ۱۹ گانه آموزش و پرورش تهران بودند. نمونه مورد بررسی نیز شامل ۲۰۲ دانش‌آموز دختر که در

سال ۱۳۸۹-۱۳۸۸ مشغول به تحصیل بودند و ۲۰۲ نفر از مادران آنها می‌شد. روش نمونه‌گیری، تصادفی خوشه‌ای می‌باشد. برای انجام این روش از بین مناطق ۱۹ گانه آموزش و پرورش ۴ منطقه به صورت تصادفی انتخاب (مناطق ۳، ۴، ۱۹ و ۱۵)، سپس از هر منطقه ۲ دبیرستان دخترانه به صورت تصادفی انتخاب شد آن‌گاه در هر یک از دبیرستان‌ها، نمونه‌گیری به صورت تصادفی در کلاس‌های سوم رشته تجربی انجام شد. پس از توضیحات لازمی که درباره اهداف پژوهش داده شد و جلب همکاری دانش‌آموزان مقیاس کمال‌گرایی در مورد آنان انجام شد سپس با همکاری مسئولین مدرسه و آزمودنی‌ها از مادران آزمودنی‌ها دعوت به عمل آمد و در مواردی هم با مراجعه به خانه‌های آنها پرسشنامه کمال‌گرایی در مورد مادران نیز اجرا شد.

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است. برای تحلیل داده‌های آن از شاخص‌ها و روش‌های آمار توصیفی شامل جدول توزیع فراوانی، میانگین و انحراف معیار و همین‌طور روش‌های آمار توصیفی شامل ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شده است.

### ابزار پژوهش

در این پژوهش برای سنجش کمال‌گرایی از پرسشنامه مقیاس کمال‌گرایی فراست و همکاران (۱۹۹۰) (FMPS) که یک پرسشنامه ۳۵ سوالی است، استفاده شده است. پاسخ به پرسش‌ها در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (از ۱ تا ۵) تنظیم شده است، این پرسشنامه دارای شش زیرمقیاس می‌باشد: نگرانی افراطی درباره اشتباهات (CM)، درک شخص از انتقادات والدین (PC)، درک شخص از انتظارات والدین (PE)، تمایل به شک و تردید (D)، گرایش به نظم و سازمان یافته‌بودن (O) و معیارهای عملکرد شخصی (PS) (فراست و همکاران، ۱۹۹۰).

رم (۲۰۰۵) دو بعد دیگر کمال‌گرایی مثبت و منفی را در FMPS شناسایی کرد و نتیجه گرفت که از جمع ۴ زیرمقیاس نگرانی افراطی درباره اشتباهات (CM)، درک شخص از انتقادات والدین (PC)، درک شخص از انتظارات والدین (PE)، تمایل به شک و تردید (D)، کمال‌گرایی منفی به دست می‌آید و از جمع ۲ زیرمقیاس گرایش به نظم و سازمان یافته‌بودن (O) و معیارهای عملکرد شخصی (PS) کمال‌گرایی مثبت به دست می‌آید. نمره کمال‌گرایی کل از مجموع پنج زیرمقیاس از شش زیرمقیاس به استثنای زیرمقیاس نظم بدست می‌آید (رم، ۲۰۰۵). FMPS دارای همبستگی بالایی با سایر مقیاس‌های کمال‌گرایی به‌ویژه مقیاس کمال‌گرایی برنز (۱۹۸۰)، مقیاس کمال‌گرایی EDI (گارنر و همکاران، ۱۹۸۳)، و دو زیرمقیاس کمال‌گرایی فردمدار و جامعه‌مدار از HMPS هویت و فلت (۱۹۹۱) می‌باشد (فراست و همکاران، ۱۹۹۰). فراست و همکاران (۱۹۹۰)، ضریب آلفای کرونباخ برای کمال‌گرایی کل را ۰/۹۰، و برای خرده‌مقیاس‌های نگرانی از اشتباه ۰/۸۸، انتظارات

والدین ۰/۸۴، انتقاد والدین ۰/۸۴، شک و تردید در عمل ۰/۷۷، معیارهای شخصی ۰/۸۳ و سازماندهی ۰/۹۳ را گزارش کرده‌اند.

این ابزار از اعتبار بالایی برخوردار است در نسخه فارسی، اعتبار این پرسشنامه به روش همسانی درونی محاسبه شده است و ضریب آلفای کرونباخ برای کل آزمون ۰/۸۵، نگرانی افراطی درباره اشتباهات ۰/۸۳، درک شخص از انتقادات والدین ۰/۶۶، درک شخص از انتظارات والدین ۰/۷۳، تمایل به شک و تردید ۰/۷۰، گرایش به نظم و سازمان‌یافته بودن ۰/۸۸ و معیارهای عملکرد شخصی ۰/۶۷، برای کمال‌گرایی مثبت، ۰/۸۲ و کمال‌گرایی منفی، ۰/۸۶ گزارش شده است (نیکنام و همکاران، ۱۳۸۹).

## یافته‌ها

جدول ۱ مشخصه‌های آماری شامل میانگین و انحراف استاندارد متغیرها را در دو گروه مادران و دختران آن‌ها نشان می‌دهد.

جدول ۱: آمار توصیفی

گروه	ابعاد کمال‌گرایی	میانگین	انحراف استاندارد
مادران	نگرانی از اشتباه	۲/۸۵۶	۰/۸۱۸
	استانداردهای شخصی	۲/۹۴۸	۰/۸۹۸
	انتظارات والدین	۳/۵۴۸	۰/۳۴۵
	انتقادات والدین	۳/۳۴۷	۰/۶۰۶
	تردید	۲/۸۰۸	۰/۸۹۵
	نظم	۳/۹۲۳	۰/۵۳۷
	کمال‌گرایی کل	۱۵/۵۰۸	۲/۶۴۶
	کمال‌گرایی مثبت	۶/۸۷۱	۱/۰۶۰
	کمال‌گرایی منفی	۱۲/۵۶۰	۱/۸۶۶
دختران	نگرانی از اشتباه	۲/۷۶۳	۰/۶۶۲
	استانداردهای شخصی	۲/۹۷۶	۰/۷۴۴
	انتظارات والدین	۳/۵۸۶	۰/۳۸۷
	انتقادات والدین	۳/۵۰۰	۰/۵۴۲
	تردید	۲/۷۳۳	۰/۷۶۱
	نظم	۳/۹۳۸	۰/۴۱۵
	کمال‌گرایی کل	۱۵/۵۵۹	۲/۱۹۶
	کمال‌گرایی مثبت	۶/۹۱۵	۰/۹۳۵
	کمال‌گرایی منفی	۱۲/۵۸۳	۱/۵۳۵

برای تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌های پژوهش، ابتدا همبستگی ساده پیرسون بین متغیرهای مورد بررسی محاسبه گردید. نتایج مربوط به ضرایب همبستگی در جدول ۲ ارائه شده‌اند. طبق این نتایج، ضرایب همبستگی بین متغیرهای کمال‌گرایی کل، ابعاد کمال‌گرایی (کمال‌گرایی مثبت و منفی) و همه خرده‌مقیاس‌های کمال‌گرایی، به استثنای خرده‌مقیاس نظم، در مادران و دختران آن‌ها مثبت و معنادار می‌باشند.

جدول ۲: همبستگی (پیرسون) بین معیارها در دو گروه مادران و فرزندان

ابعاد کمال‌گرایی	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
نگرانی از اشتباه	۰/۸۶۰	۰/۰۱
استانداردهای شخصی	۰/۸۳۵	۰/۰۱
انتظارات والدین	۰/۴۷۸	۰/۰۱
انتقادات والدین	۰/۴۲۸	۰/۰۱
تردید	۰/۷۲۶	۰/۰۱
نظم	۰/۱۵۰	۰/۱۱
کمال‌گرایی کل	۰/۸۵۴	۰/۰۱
کمال‌گرایی مثبت	۰/۷۷۶	۰/۰۱
کمال‌گرایی منفی	۰/۷۵۶	۰/۰۱

در مرحله بعد رابطه کمال‌گرایی کل، ابعاد کمال‌گرایی (مثبت و منفی) و خرده‌مقیاس‌های کمال‌گرایی والدین به عنوان متغیرهای پیش‌بین و کمال‌گرایی کل، ابعاد کمال‌گرایی و خرده‌مقیاس‌های کمال‌گرایی فرزندان به عنوان متغیرهای ملاک در معادله رگرسیون تحلیل شدند. نتایج تحلیل در جدول ۳ ارائه شده‌اند.

بر اساس یافته‌های موجود در جدول ۳ مشاهده می‌شود که استانداردهای شخصی مادران به طرز معناداری (۰/۰۱) پیش‌بینی‌کننده استانداردهای شخصی در دختران آن‌هاست به نحوی که ۶۹ درصد واریانس کل ( $R^2=0/698$ ) در نمره استانداردهای شخصی در دختران توسط نمره استانداردهای شخص در مادران قابل پیش‌بینی است. این موضوع در مورد همه خرده‌مقیاس‌های دیگر به استثنای نظم نیز برقرار است به نحوی که انتظارات والدین به میزان ۲۳ درصد، انتقادات والدین به میزان ۱۸ درصد، نگرانی از اشتباه به میزان ۷۴ درصد، و شک و تردید به میزان ۵۳ درصد در نمره مادران قابلیت پیش‌بینی‌کنندگی برای نمره‌های دختران را دارا می‌باشد. نمره کل کمال‌گرایی نیز در مادران و دختران دارای همبستگی است به نحوی که در این زمینه نیز رابطه پیش‌بینی‌کنندگی ۰/۸۵ مشاهده می‌شود.



جدول ۳: نتایج تحلیل رگرسیون

سطح معناداری	t	$\beta$	B	ابعاد کمال‌گرایی
۰/۰۱	۷/۲۴۴		۰/۹۳۵	مقدار ثابت
۰/۰۱	۱۶/۵۱۵	۰/۸۳۵	۰/۶۹۲	استانداردهای شخصی
۰/۰۱	۸/۲۰۶		۲/۹۸۸	مقدار ثابت
۰/۱۰	۱/۶۵۲	۰/۱۵۰	۱/۶۹۰	نظم
۰/۰۱	۱۰/۰۶۳		۲/۴۹۰	انتظارات والدین
۰/۰۱	۵/۹۰۷	۰/۴۷۸	۰/۳۶۹	انتظارات والدین
۰/۰۱	۸/۲۴۱		۲/۲۱۸	مقدار ثابت
۰/۰۱	۵/۱۴۷	۰/۴۲۸	۰/۳۸۳	انتقادات والدین
۰/۰۱	۶/۸۵۴		۰/۷۷۵	مقدار ثابت
۰/۰۱	۱۸/۲۸۷	۰/۸۶۰	۰/۶۹۶	نگرانی از اشتباه
۰/۰۱	۶/۲۹۹		۰/۹۹۹	شک و تردید
۰/۰۱	۱۱/۴۶۶	۰/۷۲۶	۰/۶۱۷	شک و تردید
۰/۰۱	۶/۲۰۹		۲/۲۱۳	مقدار ثابت
۰/۰۱	۱۳/۳۴۷	۰/۷۷۶	۰/۶۸۴	کمال‌گرایی مثبت
۰/۰۱	۷/۵۸۰		۴/۷۶۷	مقدار ثابت
۰/۰۱	۱۲/۵۶۳	۰/۷۵۶	۰/۶۲۲	کمال‌گرایی منفی
۰/۰۱	۷/۳۰۴		۴/۵۶۲	مقدار ثابت
۰/۰۱	۱۷/۸۶۰	۰/۸۵۴	۰/۷۰۹	کمال‌گرایی کل

لازم به ذکر شود علاوه بر تأیید داده‌های پژوهش، در مصاحبه‌هایی که در حین اجرای پرسشنامه در مورد تعدادی از دختران و مادران آنان انجام شد تا حدود بسیار زیادی در جهت تأیید یافته‌های پژوهش بود.

### بحث

نتایج پژوهش نشان دادند که بین زیرمقیاس‌های کمال‌گرایی والدین با زیرمقیاس‌های کمال‌گرایی دختران آن‌ها به استثنای زیرمقیاس نظم و سازماندهی رابطه مثبت و معناداری (۰/۰۱) وجود دارد و همچنین بین کمال‌گرایی مثبت و منفی مادران با دختران آن‌ها رابطه مثبت و معناداری (۰/۰۱) وجود دارد و این ابعاد کمال‌گرایی در مادران به استثنای زیرمقیاس نظم و سازماندهی و همین‌طور کمال‌گرایی مثبت و منفی در مادران پیش‌بینی‌کننده این ابعاد در دختران آن‌هاست.

یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های سوئنز و همکاران (۲۰۰۵)؛ استوئبر و اتو (۲۰۰۶)؛

کوک و کرنی (۲۰۰۹)؛ اپلتن، هال و هیل (۲۰۱۰)؛ کامادان (۲۰۱۰)؛ سوئنز و همکاران (۲۰۰۵)؛ فراست، لهارت و روزنبلت (۱۹۹۱) و ویت و ترال (۱۹۹۹) همسو می‌باشد و از سوی دیگر با نتایج پژوهش انز و همکاران (۲۰۰۲) همسو نمی‌باشد.

در مورد همبستگی مثبت و پیش‌بینی‌کنندگی معیارهای شخصی عملکرد مادران با دختران‌شان می‌توان گفت که معیارهای فرد می‌تواند از راه ارزش بخشیدن به رفتارهایی که در بدست آوردن ستایش از افراد محیط زندگی مانند والدین مؤثر بوده‌اند، گرفته شوند (کامادان، ۲۰۱۰). بنابراین می‌توان گفت که وقتی والدین معیارهای عملکرد شخصی بالایی دارند کودکان هم طبق فرایند الگوپذیری معیارها و استانداردهای بالایی در عملکرد شخصی خود دارند و بالعکس. از آن‌جا که یکی از ویژگی‌های الگو در فرایند الگوپذیری جنسیت یکسان است و در نظریه فروید نیز حل عقده ادیپ در گرو همانندسازی با والد همجنس است می‌توان نتیجه گرفت که احتمالاً رابطه مثبتی بین معیارهای شخصی عملکرد مادران و دختران‌شان وجود دارد.

همان‌طور که یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند همبستگی مثبت و پیش‌بینی‌کننده‌ای بین زیرمقیاس‌های انتظارات و انتقادات والدین وجود دارد شاید بتوان گفت که این دو زیرمقیاس که درک فرد را از انتظارات و انتقادات والدینش بررسی می‌کنند ماهیت انتقال چندنسلی کمال‌گرایی را نشان می‌دهند؛ زیرا در این زیرمقیاس مادران نیز درک خود را از انتظارات و انتقادات والدین‌شان پاسخ می‌دهند. از آن‌جایی که در درون خانواده مادر مهم‌ترین تأثیر را روی فرد دارد، در واقع مادر با فرزندش همان‌گونه رفتار می‌کند که مادر خودش با او رفتار کرده یعنی رفتار مادران در مادران نسل اول، شبیه رفتار مادرانه نسل دوم است (کرچمر، ۲۰۰۲). بر این اساس می‌توان پی به ماهیت انتقال بین‌نسلی انتظارات و انتقادات والدین و بروز و ظهور آن در نسل بعدی برد.

انتظارات غیرواقع‌بینانه، انعطاف‌ناپذیری، اهمیت افراطی به تأیید و پذیرش دیگران و همانندسازی با مادر و پذیرش شرطی که در بالا تا حدودی به آن‌ها اشاره شد می‌توانند نگرانی از اشتباه و شک در عملکرد را در دختران پیش‌بینی کنند. به طور کلی، چون مادر تماس نزدیکی با کودک دارد و چون دختران باید با مادرانشان همانندسازی کنند پس دخترانی که مادرانشان کمال‌گرایی بالایی دارند، (یعنی استانداردهای شخصی بالا در زمینه تربیت کودکان دارند) (استوئر و استوئر، ۲۰۰۹) و انتظارات بالایی از کودک دارند و مدام کودک را مورد ارزیابی قرار می‌دهند، ویژگی‌های شبیه مادرانشان را در خود پرورش می‌دهند (کوک و کرنی، ۲۰۰۹). تحمیل معیارهای کمال‌گرایانه مادران که معمولاً فراتر از امکانات و توانایی‌های دختران است (بشارت، ۲۰۰۳)، نگرانی از اشتباه و ترس از شکست را در دختران افزایش می‌دهد. ولی اگر مادر معیارها و استانداردهای منطقی در مورد فرزندش داشته باشد، استعدادها و توانمندی‌های وی را بشناسد و مدام فرزندش را بر مبنای معیارهای از پیش تعیین شده خود ارزیابی نکند، نگرانی و شک و تردید در عملکرد فرزند هم کاهش

می‌یابد. بنابراین یک رابطه مثبت منطقی بین کمال‌گرایی و ابعاد کمال‌گرایی مادران و دختران می‌توان یافت.

به طور کلی محققانی که موضوع کمال‌گرایی والدین و فرزندان را مورد بررسی قرار داده‌اند مهم‌ترین تفسیر ارائه شده در این رابطه را مبتنی بر نظریه یادگیری اجتماعی بندورا ارائه نموده‌اند. بندورا معتقد بود که یادگیری در محیط اجتماعی شکل می‌گیرد و مهم‌ترین تجربه‌های یادگیری از مشاهده رفتار دیگران حاصل می‌شود. این حقیقت می‌تواند به این شکل تفسیر شود که تلاش برای انجام کارها به بهترین شکل ممکن و بدون اشتباه همراه با نگرش کمال‌گرایانه در موقعیت‌های مختلف می‌تواند با مشاهده آن موقعیت توسط فرزندان در محیط خانواده و تقلید از افراد (والدین) حاصل شود. در واقع این نگرش از والدین به فرزندان منتقل می‌شود و فرزندان از والدین به عنوان الگو تقلید می‌کنند.

مطابق یافته‌های این تحقیق تنها خرده‌مقیاسی که در رابطه کمال‌گرایی مادران و دختران فاقد رابطه معنادار است خرده‌مقیاس نظم می‌باشد. در تبیین دلایل احتمالی رد فرضیه ارائه شده در رابطه با این خرده‌مقیاس می‌توان گفت که محققان زیادی از جمله شافران و همکاران (۲۰۰۱)، استوبر و اتو (۲۰۰۶)، و کرانز و همکاران (۲۰۰۷) پیشنهاد کرده‌اند که این زیرمقیاس از MPS حذف شود زیرا یک سازه مجزا را اندازه‌گیری می‌کند. بیشتر سوالات این خرده‌مقیاس مربوط به نظم و ترتیب می‌باشد و مطابق نظر این محققان شاید نظم، ویژگی ذاتی سازه کمال‌گرایی نباشد. در واقع میان تمام خرده‌مقیاس‌های کمال‌گرایی، نظم خرده‌مقیاسی است که بیشتر به عنوان یک رفتار شناخته می‌شود تا باور شناختی، آن‌گونه که موضوع سایر خرده‌مقیاس‌هاست.

پیش‌بینی‌کنندگی کمال‌گرایی مثبت و منفی والدین برای کمال‌گرایی مثبت و منفی فرزندان تا کنون در تحقیقات مورد توجه نبوده است. در یکی از معدود تحقیقات قابل ذکر، بشارت (۲۰۰۳) رابطه مثبتی میان کمال‌گرایی منفی در والدین و نشانه‌های نوروپیک (اضطراب) در فرزندان مشاهده نمود. اگر چه تحقیق این محقق دقیقاً به موضع همبستگی کمال‌گرایی مثبت و منفی در والدین و فرزندان نمی‌پردازد ولی از آنجایی که هم اضطراب و هم کمال‌گرایی با خطاهای شناختی همراه است، وجود اضطراب در فرزندان والدین کمال‌گرا می‌تواند دلیلی احتمالی برای کمال‌گرا بودن فرزندان نیز باشد. درباره این یافته چند تبیین احتمالی ارائه می‌شود:

کمال‌گرایی مثبت سازه‌ای ایجابی، تأییدی و روی‌آوری (در مقابل اجتنابی) است (بشارت، ۱۳۸۳) و بر مثبت‌نگری و توجه به موفقیت‌ها بنا شده است؛ حال اگر والدین و به ویژه مادر به چنین سازه‌ای مجهز باشد به جای تأکید بر معیارهای دست‌نیافتنی در مورد فرزندشان و تحمیل اضطراب و نگرانی

به فرزند، مثبت‌نگری و خوش‌بینی را در فرزندان خود فعال می‌سازد و به ایجاد کمال‌گرایی مثبت در فرزند کمک می‌کند.

کمال‌گرایی مثبت با شاخص‌های سلامت روانی مثل عزت‌نفس بالا، خودکارآمدی و خودشکوفایی (استونبر و استونبر، ۲۰۰۹) مشخص می‌شود در نتیجه تأمین و تدارک شاخص‌های سلامت روانی که تحت تأثیر کمال‌گرایی مثبت مادران قرار دارند احتمال وجود کمال‌گرایی مثبت را در دختران افزایش می‌دهند.

وقتی مادران کمال‌گرایی مثبت داشته باشند محیط حمایت‌کننده‌تر به نظر می‌رسد و کودک نگران از دست دادن تأیید و پذیرش مادر نیست و این همان چیزی است در نظریه دلبستگی هم بیان شده است. مطابق این نظریه کیفیت رابطه کودک با مادر بر تمام رفتارها و روابط شخصی وی در آینده تأثیر می‌گذارد، در نتیجه وقتی سبک دلبستگی ایمن باشد و مادر حمایت‌کننده باشد می‌توان در آینده شاهد کمال‌گرایی مثبت در فرد بود. همینطور این مسئله را می‌توان بر اساس نظریه روابط شی نیز تبیین کرد که در آن بر رابطه کودک با مادر و انعکاس کیفیت این رابطه در رفتارهای فرد در آینده تأکید دارد.

برعکس موارد ذکر شده در بالا در مورد انتقال کمال‌گرایی منفی از مادران به دختران صدق می‌کند. به طور مثال انتظارات غیرواقع‌بینانه، انعطاف‌ناپذیری، اهمیت افراطی به تأیید و پذیرش دیگران، که از ویژگی‌های کمال‌گرایی منفی است اگر در مادران وجود داشته باشد به احتمال زیاد در دختران آن‌ها نیز نمود می‌یابد.

در این جا لازم است ذکر شود در مصاحبه‌هایی که در حین اجرای پرسشنامه در مورد تعدادی از دختران و مادران انجام شد تا حدود بسیار زیادی در جهت تأیید یافته‌های پژوهش بود.

این نتایج موارد خوبی را برای در میان گذاشتن با خانواده‌ها چه در جلسات مشاوره و چه با استفاده از سمینارها و کارگاه‌های آموزشی فراهم می‌کند تا از این طریق والدین متوجه شوند که چگونه خصوصیات شخصی آن‌ها در فرزندان‌شان منعکس می‌شوند و هم‌چنین زمینه مناسبی را فراهم می‌کند که والدین و بالاحص مادران هم خود را بهتر بشناسند و هم بتوانند ارتباط مناسب‌تری با فرزندان‌شان داشته باشند.

## پی‌نوشت‌ها

- |                                       |                      |
|---------------------------------------|----------------------|
| 1. Frost, Marten, Lahart & Rosenblate | 11. Soenens          |
| 2. Anshel, Weatherby, Kang & Watson   | 12. Stoeber & Otto   |
| 3. Cook, Kearney                      | 13. Camadan          |
| 4. Hamacheck                          | 14. Parenting styles |
| 5. Hewitt & flett                     | 15. Role modeling    |
| 6. Ram                                | 16. Chang            |

- |                              |                                |
|------------------------------|--------------------------------|
| 7. Neumiester                | 17. Frost, Lahart & Rosenblate |
| 8. Sabatelli & Bartle-Haring | 18. Parker                     |
| 9. Goodman                   | 19. Vieth, & Trull             |
| 10. Kretchmar                | 20. Enns, Cox & Clara          |

## منابع

- بشارت، م. (۱۳۸۳). رابطه کمال‌گرایی و مشکلات بین شخصی. دو ماهنامه علمی- پژوهشی دانشگاه شاهد، (۷)، ۸-۱.
- نیکنام، م.، حسینیان، س.، و یزدی، س. م. (۱۳۸۹). بررسی رابطه باورهای کمال‌گرایانه و رفتارهای خود ناتوان‌ساز در دانشجویان دانشگاه‌های تهران. *مجله علوم رفتاری*، ۴(۲)، ۱۰۸-۱۰۳.
- وایزینگر، ه. (۱۳۸۳). هیچ‌کس کامل نیست (ترجمه پ. معتمد گرجی). تهران: مروارید.
- Anshel, M. H., Weatherby, N. L., Kang, M., & Watson, T. (2009). Rasch calibration of a unidimensional perfectionism inventory for sport. *Psychology of Sport and Exercise, 10*, 210-216.
- Appleton, P. R. و Hall, H. K., & Hill, A. P. (2010). Family patterns of perfectionism: An examination of elite junior athletes and their parents. *Psychology of Sport and Exercise, 11*, 363-371.
- Besharat, M. A. (2003). Parental perfectionism and children's test anxiety. *Psychological Reports, 93*, 1049-1055.
- Burns, D. (1980, November). The perfectionist's self-script for self-defeat. *Psychology Today, 34*, 51.
- Camadan, F. (2010). Predicting the students' perfectionism from their parents' perfectionism, *Procedia Social and Behavioral Sciences, 2*, 4260-4265.
- Chang, E. C. (2000). Perfectionism as a predictor of positive and negative psychological outcomes: Examining a meditational model in younger and older adults. *Journal of Counseling Psychology, 47*, 18-26.
- Cook, L. C., & Kearney, C. A. (2009). Parent and youth perfectionism and internalizing psychopathology. *Personality and Individual Differences, 46*, 325-330.
- Enns, M. W., Cox, B. J., & Clara, I. (2002). Adaptive and maladaptive perfectionism: Developmental origins and association with depression proneness. *Personality and Individual Differences, 33*, 921-935.
- Frost, R. O., Heimberg, R. G., Holt, C. S., Mattia, J. I., & Neubauer, A. L. (1993). A comparison of two measures of perfectionism. *Personality and Individual Differences, 14*, 119-126.
- Frost, R. O., Marten, P. A., Lahart, C., & Rosenblate, R. (1990). The dimensions of perfectionism. *Cognitive Therapy and Research, 14*, 449-468.
- Frost, R. O., Lahart, C., & Rosenblate, R. (1991). The developmental perfectionism: A study of daughters and their parents. *Cognitive Therapy and Research, 15*, 469-489.
- Goodman, C. (2007). Family dynamics in three-generation grand families. *Journal of Family Issues, 28*, 355-379.

- Kretchmar, M. (2002). Observant mother- child relationship across generation boundary patterns attachment and the transmission of care giving. *Journal of Family Process*, 64, 351-374.
- Neumiester, K. L. S. (2002). *Perfectionism in gifted college student: Family influences and implications for achievement*. Unpublished doctoral dissertation, university of Athens, Athens.
- Parker, W. D. (1997). An empirical typology of perfectionism in academically talented children. *American Educational Research Journal*, 34(3), 545-562.
- Powdthavee, N., & Vignoles, A. (2008). Mental health of parents and life satisfaction of children: A within-family analysis of intergenerational transmission of well-being. *Social Indicators Research*, 88, 397-422.
- Ram, A. (2005). *The relationship of positive and negative perfectionism to Academic Achievement, Achievement, Motivation, and well-being in tertiary students*. Unpublished master thesis, university of Canterbury, New Zealand.
- Sabatelli, R. M., & Bartle-Haring, S. (2003). Family of origin experiences and patterns of adjustment within couples. *Journal of Marriage and Family*, 65, 159-169.
- Shafran, R., & Mansell, W. (2001). Perfectionism and psychopathology: A review of research and treatment. *Clinical Psychology Review*, 21(6), 879-906.
- Soenens, B., Elliot, A. J., Goossens, L., Vansteenkiste, M., Luyten, P., & Duriez, B. (2005). The intergenerational transmission of perfectionism: Parents' psychological control as an intervening variable. *Journal of Family Psychology*, 19, 358-366.
- Stoeber, J., & Stoeber, F. S. (2009). Domains of perfectionism: Prevalence and relationships with perfectionism, gender, age, and satisfaction with life. *Personality and Individual Differences*, 46, 530-535.
- Stoeber, J., & Otto, K. (2006). Positive conceptions of perfectionism: Approaches evidence, and challenges. *Personality and Social Psychology Review*, 10, 295-319.
- Vieth, A. Z., & Trull, T. J. (1999). *Family patterns of perfectionism: An examination of college students and their parents*. *Journal of Personality Assessment*. 72(1), 49-67.